واکنش هفته

کار «چشمه» نمایش تبلیغاتی است

ماجرای امتیاز انحصاری چاپ کتاب‌های اورهان پاموك در ایران که از سوی نشر چشمه مطرح شده، طی روزهای گذشته واکنش‌های متعددی دربرداشته است. روز گذشته در همین صفحه به اوضاع آشفته انتشار کتاب‌های ترجمه در ایران پرداختیم و به‌طور خاص اتفاقاتی که برای کتاب‌های پاموك در ایران رخ داده را بررسی کردیم. نتیجه هم شد ۳۲ ترجمه از ۱۶ کتاب به علاوه کتاب‌های جنبی دیگری که ایرانی‌ها از برخی داستان‌های کوتاه پاموك و سخنرانی‌هایش جمع‌آوری کرده‌اند. این را هم نوشتیم که پاموك در سفری که سال گذشته به ایران داشت، ارسلان فصیحی، مترجم چیره‌دست زبان ترکی استانبولی که با نشر ققنوس کار می‌کند، در ایران را مورد تایید خود دانست. بر این موضوع هم تاکید کردیم که ترجمه‌های عین‌ا... غریب که با نشر چشمه کار می‌کند، ترجمه‌های درست و اصیل از آثار پاموك نیست و از روز گذشته در فضای مجازی شاهد هستیم که مترجمان مختلف به ترجمه‌های پر ایراد غریب پرداخته‌اند. در کنار همه اینها مهدی حسین‌زادگان، مدیر داخلی نشر ققنوس در گفت‌وگو با تسنیم به نکات جالبی اشاره کرده است.

او گفت: از آنجا که ایران جزو قانون کپی‌رایت نیست، ما نمی‌توانیم بگوییم ناشر رسمی و انحصاری یك نویسنده خارجی زبان هستیم، آقای پاموك دوبار به دعوت نشر ققنوس به ایران سفر کرده است. ماه گذشته نیز آقای ارسلان فصیحی مترجم آثار این نویسنده در سفری به استانبول به دیدار او رفت. در این دیدار که در دفتر کار پاموك انجام شد، این نویسنده رمان آخرش با نام «رد خون» را نشانش داده و ابراز تمایل شدید کرده که نسخه فارسی این کتاب نیز همزمان با انتشار نسخه انگلیسی و ترکی آن در ماه‌های آینده منتشر شود.

حسین‌زادگان تصریح کرد: پیشتر گفتم که ما قانون کپی‌رایت را در ایران به رسمیت نمی‌شناسیم، وقتی پاموك را کسی نمی‌شناخت، انتشارات ققنوس دو کتاب از او منتشر کرد، وقتی نوبل گرفت شش ناشر سراغ ترجمه و انتشار آثارش رفتند؛ بنابراین حرف از انحصار زدن، یك نمایش تبلیغاتی تمام است و هیچ معنایی ندارد.

حسین‌زادگان در پاسخ به این پرسش که آیا ققنوس برای انتشار کتاب‌های پاموك قراردادی با وی امضا کرده است، گفت: همکاری ما با پاموك بیشتر رفاقتی است، حتی زمانی که او به ایران آمده بود، ما بحث قرارداد را مطرح کردیم که او گفت من نان و نمك شما را خورده‌ام، اگر قرار باشد کتاب‌هایم در ایران منتشر شود، می‌خواهم توسط ققنوس و فصیحی منتشر شود. در عین حال ققنوس هم هیچ وقت ناشر رسمی این نویسنده نبود. ناشری بود که پاموك را به ادبیات ایران شناساند، تاکنون نیز روابط خوبی با او داشتیم و دوبار به ایران آمد؛ یك بار قبل از برنده نوبل شدن و بار دیگر در سفر اردیبهشت سال گذشته.

او در پایان تأکید کرد: ما برنامه سفر بعدی پاموك به ایران را که در چند ماه آینده انجام می‌شود، نیز چیده‌ایم. او از ما خواسته برای نگارش بخش‌هایی از رمان جدیدش به چند شهر ایران سفر کند.

تحلیلی بر سریال «چرنوبیل» که این روزها خیلی‌ها درباره‌اش حرف می‌زنند

انفجار دوباره چرنوبیل

مینی‌سریال چرنوبیل روایتی داستانی از انفجار رآکتور اتمی روس‌ها در دوران شوروی سابق است

امید رحمانی

فرهنگ و هنر

«من هیچ یك از اپیزودهای مجموعه «چرنوبیل» را ندیده‌ام، اما در نزدیکی جایی که زندگی می‌کنم، بنای یادبودی وجود دارد که به یاد قربانیان این حادثه فاجعه‌بار ساخته شده است. امروز برای اولین بار از زمانی که اینجا زندگی می‌کنم، گلی از زمین روئیده است.» این توییتی از یك شهروند روسی در ارتباط با فاجعه هسته‌ای چرنوبیل است؛ البته معلوم است که تولید مجموعه اچ‌بی‌او، عامل اصلی روییدن گلی در نزدیکی بنای یادبود چرنوبیل نبوده است! اما نوع برخورد یك شهروند روسی با یك مجموعه انگلیسی‌زبان، می‌تواند جالب توجه باشد. فاجعه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ رخ داد، زمانی که روسیه هنوز اتحاد جماهیر شوروی بود و با رهبری بلوك شرق، در مقابل سیستم سرمایه‌داری به سرکردگی آمریکا ایستاده بود. با این حال، اگرچه در آن زمان صنعت سینمای شوروی توجه چندانی به فاجعه چرنوبیل نشان نداد، در دوران پس از سقوط حاکمیت کمونیست‌ها هم فیلم یا مجموعه‌ای روسی در این ارتباط ساخته نشد. آیا چرنوبیل در هر شکل و وضعیتی، حکم یك خط قرمز را برای روس‌ها دارد؟

مینی‌سریال پنج قسمتی چرنوبیل شبکه اچ‌بی‌او توانسته نظر بسیاری از تماشاگران را در کشورهای مختلف جهان جلب کند. نقدها و مرورهای تحسین‌آمیزی روی مجموعه نوشته شده و بسیاری از مردم، دوستانشان را تشویق به دیدن این درام پرتنش می‌کنند، اما واکنش‌ها در روسیه بسیار متفاوت و همراه با انتقاد بوده است. این انتقادها بیشتر از جانب مقامات رسمی و مسؤولان بوده و طرف آمریکایی را متهم به سوءاستفاده از یك حادثه تاریخی و بازگشت به دوران جنگ سرد می‌کنند. مجموعه چرنوبیل جایی در شبکه‌های تلویزیونی روسیه نداشته است؛ اما تماشاگران روسی توانسته‌اند آن را به واسطه یک سایت اینترنتی ببینند. این سایت که درام تاریخی پرسروصدای «بازی تاج و تخت» را هم در روسیه پخش کرده، یك غول رسانه‌ای محسوب می‌شود. منتقد ایزوستیا (از روزنامه‌های پرتیراژ روسیه) درباره چرنوبیل می‌نویسد: «درجه واقع‌گرایی این مجموعه بسیار بیشتر از اکثر فیلم‌های روسی است که درباره آن دوره ساخته می‌شود.»

این روس‌های مزاحم؟

اما همه نظرات و دیدگاه‌ها چنین نیست. در بین روس‌ها می‌توان کسانی را در بین منتقدان و حرفه‌ای‌های کار پیدا کرد، که از چرنوبیل به عنوان «یك کار پروپاگاندا» اسم می‌برند. به باور آنها، این کار تبلیغاتی هم مثل نمونه‌های مشابه همه چیز را با اغراق به نمایش می‌گذارد و در پایان می‌خواهد بگوید که زندگی در غرب همیشه بهتر است.

این دسته از منتقدان عقیده دارند برای غربی‌ها، روس‌ها همیشه موجوداتی مزاحم هستند و فرقی نمی‌کند در شوروی دوران کمونیست‌ها زندگی می‌کنند یا در دوران جدید. برای همین است که بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که هدف از تولید چنین مجموعه‌های تاریخی چیست و در پشت پرده چه اهدافی را دنبال می‌کنند. سازندگان مجموعه البته هر نوع تئوری توطئه‌ای را رد کرده و می‌گویند هدفشان ساخت درامی تاریخی برای سرگرم کردن تماشاچی بوده، که البته کمی پند تاریخی را با خودش یدك می‌کشد.

دستپخت انگلیس و آمریکا

در داستان مجموعه (که محصول مشترك آمریکا و انگلستان است) جارد هریس بازیگر بریتانیایی در نقش یکی از مدیران ارشد امور هسته‌ای اتحاد جماهیر شوروی ظاهر می‌شود. جوهان رنك فیلمساز سوئدی کارگردانی مجموعه را به عهده داشته است. در پنج اپیزود مجموعه، تماشاگران با وقایع‌نگاری حادثه‌ای همراه می‌شوند که در آن چهار رآکتور ایستگاه هسته‌ای شوروی در اوکراین منفجر شده و یك فاجعه مرگبار را رقم می‌زند. نه‌تنها تعداد زیادی از ساکنان محل کشته شدند، بلکه رادیواکتیو زیادی در تعدادی از کشورهای اروپایی پخش شد و به این فاجعه، حالتی بین‌المللی داد.

فیلمبرداری در اوکراین

گروه سازنده برای کار فیلمبرداری به اوکراین رفتند. بخش‌هایی از آن هم در ایستگاه هسته‌ای شوروی سابق در لیتوانی فیلمبرداری شد. این مکان به دلیل شباهتی که به مکان اصلی داشت، مورد استفاده قرار گرفت. داستان مجموعه تلاش دارد قهرمان‌گرایی مردم عادی را به تصویر بکشد و وقع چندانی به سیاستمداران آن دوره (از جمله میخائیل گورباچف) نمی‌گذارد. اگر منتقدان اشارات سیاسی چندانی به موضوع مجموعه ندارند، اما اهالی سیاست توجه عمده‌شان را روی این نکته گذاشته‌اند.

برای مثال، بسیاری همزمانی تولید مجموعه با پروژه‌های جدید دولت روسیه برای احداث نیروگاه‌های هسته‌ای پرقدرت تازه را اتفاقی و بی‌دلیل نمی‌دانند. این گروه می‌گوید غرب با استناد به تاریخ گذشته، به دنبال تقبیح فعالیت‌های امروزی روس‌هاست و چرنوبیل می‌تواند بهانه لازم را برای حمله به این فعالیت‌های جدید به دست گروه‌های مختلف بدهد. به این ترتیب، مجموعه چرنوبیل به عنوان دروغ زیبایی ارزیابی می‌شود که با اهداف خاص و مشکوك سیاسی تهیه و تولید شده است. همین گروه روی این نکته پافشاری می‌کند که روس‌ها در مجموعه یا به صورت قربانیانی بی‌پناه و بیچاره به تصویر کشیده شده‌اند یا مهاجمانی بی‌رحم و خونخوار هستند که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد.

پاتک روسی

بنابراین، می‌توان به این گفته اعتماد کرد که گاهی اوقات نگاه یك «بیرونی» می‌تواند واقعی‌تر و قابل قبول‌تر از نگاه یك «خودی» باشد؟ این دیدگاهی است که منتقد روزنامه روسیسکایا گازیتا مطرح می‌کند. با این وجود، بعد از ساخت مجموعه شبکه اچ‌بی‌او این پرسش از سوی بسیاری مطرح شده که چرا خود روس‌ها پیشقدم نشده و طی این چند دهه، مجموعه موردنظر خودشان از فاجعه چرنوبیل را نساخته‌اند؟ این کم‌کاری به چه دلیل بوده و از کجا آب می‌خورد؟ این در حالی است که هر دو صنعت سینما و تلویزیون روسیه، فیلم‌ها و مجموعه‌هایی در ارتباط با موضوع هسته‌ای و فجایع مربوط به آن تهیه و تولید کرده‌اند. برخی از منتقدان دلیل این کم‌کاری را در این می‌دانند که روس‌ها هیچ وقت نمی‌توانند کاری در حد و اندازه چرنوبیل اچ‌بی‌او تولید کنند. یکی از دلایل اصلی این امر می‌تواند نبود بودجه لازم برای تولید چنین کارهایی باشد.

خطرناك است؛ بیخیالش شوید!

با همه اینها اما نمی‌شود این نکته را نادیده گرفت که دیدن این سریال این حس را درون مخاطب بیدار می‌کند که حرکت به سمت انرژی هسته‌ای ولو برای استفاده‌های صلح‌آمیز باید متوقف شود و باشگاه اتمی‌های دنیا باید در همین حد باقی بماند. شاید نیات و قصد عمده سازندگان اصلی آن در ایالات متحده چنین نباشد اما ناگزیر است که بازنمایی آن در ذهن مخاطبانی مانند ما این باشد که حتی استفاده صلح‌آمیز از آن هم خطرناك بوده و تبعات جبران‌ناپذیری برای نسل فعلی و آیندگان خواهد داشت. پس چه بهتر که اصل قضیه را نادیده گرفته و عطای آن را به لقای همیشگی‌اش بخشید. این بازنمایی چه بسا در میان بعضی از ایرانیان هم ایجاد شود که خطرناك است؛ پس چه بهتر که بیخیالش شویم!

این «اچ.بی.او» یعنی چه؟!

اول از همه این‌که عبارت «اچ.بی.او» مخفف عبارت Home Box Office است به معنای گیشه خانگی. این شرکت یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های کابلی نه‌تنها آمریکا، بلکه دنیاست. در حال حاضر هم خدمات نمایشی خود را بر بستر اینترنت ارائه می‌دهد. البته این شبکه تنها به خدمات نمایش محدود نمی‌شود. این شرکت به عرصه تولید سریال و محصولات نمایشی هم روی آورده و خودش وارد حوزه تولید شده است. تنها مرور بعضی از سریال‌هایی که توسط اچ.بی.او ساخته شده کافی است تا به ابعاد گردش مالی و تاثیرگذاری فرهنگی این شرکت پی ببرید: چرنوبیل، بازی تاج و تخت، وست ورلد. نکته جالب این‌که در سال ۲۰۱۷ یك هکر با نام مستعار Skote Vahshat نمایشنامه سریال «بازی تاج و تخت» را به سرقت برد. او برای افشا نکردن جزئیات فیلمنامه درخواست شش میلیون دلاری باج به صورت بیت‌کوین کرده بود. هرچند اچ.بی.او این مبلغ را پرداخت نکرد و هکر گمنام بخش‌هایی از نمایشنامه را تابستان با قصد فروش منتشر کرد. چند ماه بعد مقامات آمریکایی نام این هکر را «بهزاد مصری» اعلام کردند و گفتند که یك ایرانی ۳۰ ساله است. تصویرش هم توسط اف.بی.آی به عنوان تحت تعقیب منتشر شد. واشنگتن پست مدعی است جزئیات پرونده مخفی مانده بود تا متهم فرار نکند، اما در ادامه اعلام کرد دونالد ترامپ با مقاصد سیاسی فشار آورده تا اطلاعات این پرونده افشا شود تا به خاطر ایرانی بودن هکر روی نظر اعضای کنگره ایالات متحده درباره توافق هسته‌ای برجام تأثیر بگذارد.

پشت صحنه

سینما، سینما، سریال

آدمیزاد است دیگر، یك روزهایی خیلی خسته است. البته خستگی این روز خاص فقط شامل حال نگارنده این ستون می‌شد و بقیه گروه مثل همیشه چنان سرحال و پرانرژی مشغول کار بودند که نمی‌توانید فکرش را هم بکنید. از آن روزهایی بود که کلی سوژه داشتند و هی فکر می‌کردند بالاخره امروز سراغ کدامش بروند و بقیه را بگذارند برای چه روزهایی. آدمیزاد است دیگر، گاهی خسته است و گاهی پرانرژی، برویم سراغ صفحه‌های سرحال و پرانرژی امروز که بچه‌ها مثل هر روز برایشان سنگ تمام گذاشته‌اند.

در همین صفحه رفته‌ایم سراغ سریال خارجی که خیلی‌ها درگیرش شده اند و از تماشای آن حسابی به فکر فرورفته یا احساساتی شده‌اند. بله درست حدس زده‌اید، ماجرا مربوط به سریال «چرنوبیل» است. سریالی که آمریکایی‌ها ساخته‌اند و در جهان بازتاب گسترده‌ای هم داشته است؛ بازتابی که البته پای کشورها و سیاسیون را هم خواه ناخواه به میان کشیده و مقامات روسیه هم گفته‌اند در سریالی که خواهند ساخت روایت خود را از این فاجعه انسانی ارائه خواهند کرد. امید رحمانی رفته سراغ این سریال و از جنبه‌های متفاوتی آن را بررسی کرده است. هم به مراحل ساخت سریال و اتفاقاتش پرداخته و هم به ماجرای سریال و فیلمسازی در روسیه. می‌توانید این مطلب را بخوانید و ببینید نویسنده از چه ابعادی چرنوبیل را بررسی کرده است.

در صفحه ۱۰ برایتان یك مطلب داریم درباره واردات اسباب‌بازی. این‌که چه کشورهایی صادرکننده اصلی اسباب‌بازی به ایران هستند و در کل بازار اسباب‌بازی ایران چه حال و اوضاعی دارد. عجالتا همین را بگوییم که این چینی‌های چشم‌بادامی در بازار اسباب‌بازی‌مان هم در حال تاخت و تاز هستند و چه می‌کنند! بخوانید و ببینید آذر مهاجر که این بار به جای کاغذ زده به دل بازار اسباب‌بازی چه کرده است.

همین که بروید صفحه بعدی هم می‌رسید به گزارشی خواندنی درباره فیلم‌های سینمایی اکران عید فطر. فیلم‌هایی که حالا سینماها را تسخیر کرده‌اند و از قضا پر هستند از ستاره و چهره‌های معروف. می‌توانید در این مطلب خواندنی باران حیدری سری بزنید به این فیلم‌ها و درباره‌شان مفصل بخوانید.

برویم سراغ صفحه ۱۲. ساناز قنبری در یك روز بهاری خیلی خوب و دلچسب سلما بابایی را به روزنامه دعوت کرده و مفصل با او حرف زده است. دختر شهید بابایی که حالا کارگردانی فیلم سینمایی «وکیل مدافع» را هم در کارنامه خودش دارد، با قنبری رودررو درباره این اولین ساخته سینمایی‌اش حرف زده و به سؤالات همکارمان صریح و کامل پاسخ داده است. خواندن این صفحه را از دست ندهید، چون بابایی حرف‌های جالبی زده که حتما خواندنش اتفاق خوبی برایتان خواهد بود.